

ترجمه‌های ماندگار آیات وحی

قرآن، چنان مفاهیم و گفتمان‌های مختلف انسانی را همراه با لایه‌های پنهان متعدد، بر ساخته و ترویج کرده است که پرداختن به آن در قرون اخیر، همواره محل بحث و بررسی و گاهی مناقشه بین قرآن‌پژوهان و مترجمان بوده است.



قرآن، چنان مفاهیم و گفتمان‌های مختلف انسانی را همراه با لایه‌های پنهان متعدد، بر ساخته و ترویج کرده است که پرداختن به آن در قرون اخیر، همواره محل بحث و بررسی و گاهی مناقشه بین قرآن‌پژوهان و مترجمان بوده است. بسیاری از بحث‌ها، اتفاقاً به پیشبرد اهداف مستتر در این کتاب مقدس آسمانی کمک کرده، چراکه اهل سخن حتی آنان را که چندان دل در گرو آن نداشته‌اند به اصل ماجرا علاقه‌مند کرده است. در این میان موضوع ترجمه قرآن به فارسی، دهه‌هاست با سرفصل‌های مختلفی تجزیه و تحلیل شده است؛ از امکان ترجمه با این مینا که آیا ماهیتا قرآن قابل ترجمه است یا نه گرفته تا این‌هاست که در ترجمه این کتاب، آیا می‌توان تفسیر را به همراه برگردان آن پیش برد یا خیر؟ اما حالا مدت‌هاست این موضوعات دیگر محل بحث نیست و بدیهی می‌نماید.

امروز می‌توان دریچه‌های دیگری به مدخل ترجمه قرآن گشود. در 20 سال اخیر، مترجمان متعددی نسخه‌های دیگری به ترجمه‌ها، های پیشین افزوده‌اند. همین باعث شده بتوانیم بین این همه نسخه، هم تحلیلگر شیوه‌ها، های گوناگون برگرداندن این متن شگفت‌انگیز باشیم و هم بتوانیم به عنوان مخاطب از بین آنها انتخاب کنیم.

ترجمه امری مقدماتی است

وقتی بیش از هزارسال پیش، مترجم و مولف کتاب «ترجمه تفسیر طبری»؛ - که البته هیچ معلوم نیست چرا در حالی که ترجمه کاملی است از قرآن، «ترجمه تفسیر طبری» نام گرفته - به برگردان آن لغات شریف و مقدس می‌پرداخت، شاید پیش خود فکر می‌کرد کمتر کسی پس از او بخواهد دوباره به ترجمه قرآن کریم دست بزند. به این دلیل که احتمالاً می‌پنداشت، ترجمه یک‌بار برای همیشه کافی است و پس از آن می‌توان با استناد به متن او، تفسیر را آغاز کرد.

امروز پس از بیش از یک هزاره، ترجمه‌های متعددی به فارسی از متن قرآن در دست است. این خود نشان‌دهنده این است که مترجمان در هر عصری به شیوه‌ها، ای تازه در ساز و کارهای ترجمه چنین متنی دست یافته‌اند. نکته‌ها، ای که اغلب کارشناسان به آن اذعان دارند، این است که با وجود ترجمه‌های کهن، باز هم ترجمه قرآن به زبانی ساده و امروزی، نیاز می‌شود و از این رو تعدد ترجمه‌های فارسی متاخر را این‌گونه توجیه می‌کنند. امید مجدد، اما چنین باوری ندارد. او که نخستین ترجمه منظوم از فارسی را 22 سال پیش منتشر و تا کنون 49 بار آن را تجدید چاپ کرده، معتقد است ما هیچ‌گاه نیاز به این همه ترجمه از قرآن نداشتیم و نداریم. مجد، با بیان این‌هاست که ترجمه امری مقدماتی است و پس از ترجمه باید به تفسیر و دیگر علوم قرآنی پرداخت، به جام‌جم می‌گویند: «ترجمه‌ها، ای کهن با ترجمه‌های معاصر فرق‌هایی دارند و می‌توان گفت تکمیل شده‌اند. اما تفاوت بین آنها فاحش و چشمگیر نیست؛ از ابوبکر عتیق نیشابوری و نسفی تا الهی قمشه‌ها، ای تفاوت چندان نمی‌بینیم. اصولاً مترجمان بعدی، در مقدمه‌ها، ای خود نوشته‌اند که فی‌المثل پنج آیه بهتر بود با فعلی دیگر به فارسی برگردانده می‌شد و همین را بهانه کرده‌اند که دوباره قرآن را ترجمه کنند. اینها در حالی است که وجود این ترجمه‌ها، ای متعدد، سبب‌ساز بروز اتفاقی فرخنده در جامعه قرآن‌خوان نشده است. از همین رو معتقدم پس از ترجمه الهی قمشه‌ها، ای، می‌توانستیم، ترجمه را کناری بگذاریم و توجه به قرآن را از مسیرهای دیگری پی بگیریم.»

کدام ترجمه معاصر؟

از بین معاصران ما شاید هفت ترجمه محمد مهدی فولادوند، مهدی الهی قمشه‌ها، ای، ناصر مکارم‌شیرازی، حسین انصاریان، عبدالحمید آیتی و بهاء‌الدین خرمشاهی و اخیراً ترجمه غلامعلی حدادعادل بیش از بقی مورد توجه قرار گرفته است. زمان رضاخانی، قرآن‌پژوهی است که به صورت

مقایسه‌ی زنج‌ای به این شش ترجمه نخست پرداخته است. او معتقد است در این میان، اثر محمد مهدی فولادوند، از نظر فن ترجمه، برتری چشمگیری بر دیگر آثار بررسی شده دارد: «ترجمه‌های او، بسیار روان و شیواست، تقریباً عاری از حشو و زیاده‌گویی است و تفسیر به رای ندارد. جایگاه‌های دوم و سوم را می‌توان به ترجمه‌های خرمشاهی و آیتی داد.»

رضاخانی همچنین درباره دیگر ترجمه‌ها نیز می‌گوید: «بین ترجمه‌های الهی قمشه‌ای، مکارم و انصاریان، اثر مکارم شیرازی به دلیل روان‌تربودن، بیشترین امتیاز مثبت را کسب می‌کند و از میان دو ترجمه دیگر، کار انصاریان شاید از این جهت برتر باشد که اشتباه‌های هم‌نشینی کمتر و تفسیر به رای کمتری در آن دیده می‌شود.»

علاوه بر اینها از ترجمه غلامعلی حدادعادل از قرآن، می‌توان به عنوان تازه‌ترین ترجمه مطرح یاد کرد؛ ترجمه‌ای که بهاء‌الدین خرمشاهی، ادیب و قرآن‌پژوه معروف را به ستایش او واداشت.

خرمشاهی، شش سال پیش و در آیین رونمایی از این ترجمه گفته بود: «برای وصف زیبایی‌های این ترجمه، یک دهان خواهم به پهنای فلک؛ چراکه اگر بگویم در هر صفحه از این ترجمه یک نکته بدیع و اصیل و هنری ترجمه وجود دارد اصلاً گزاف نگفته‌ام. من سال‌ها پیش از ایشان خواستم قرآن را ترجمه کنند. ما امروزه بیش از هزار ترجمه فارسی از قرآن کریم در اختیار داریم که می‌توان ادعا کرد ترجمه دکتر حدادعادل یکی از پنج ترجمه برتر بلکه یکی از سه ترجمه برتر و فاخر زبان فارسی است.»

مرد ادیب سیاست ایران خود درباره ترجمه‌اش گفته: «ترجمه قرآن صد جور کار دارد و من نمی‌توانستم هم مسأله رسم‌الخط را حل کنم و هم ترجمه بنویسم. معتقدم در ترجمه قرآن نباید قصدمان این باشد به کسی که عربی بلد نیست عربی یاد بدهیم؛ زیرا این کلام، قرآن است، بنابراین باید در حد اعلی مفهوم را بفهمیم و منتقل کنیم و در عین حال به کلام الهی پایبند باشیم. در این آیه نیز وقتی خداوند سه فعل پشت سر هم به کار برده است بنده نیز باید به آن پایبند می‌ماندم.»

با این حال باید پرسید، تکلیف مخاطب با ترجمه‌های متعدد فارسی از قرآن چیست؟ برکت وجود قرآن، بسیاری را علاقه‌مند پرداختن به آن کرده است، اما اختلافات ترجمه‌ها می‌تواند گاه مشکل‌زا باشد. محمد هادی معرفت که درباره این اختلافات تحقیق کرده، گفته بود: «میان ترجمه‌ها اختلافاتی وجود دارد؛ چون سلیقه‌ها بلکه عقیده‌ها و آرای مردم مختلف است و آنها را به هر جا می‌کشاند. همچنین استعدادها در فهم معانی قرآن و ترجمه آن و درک آرای مختلف، متفاوت است، و اختلاف در ترجمه‌های قرآنی آثار نامطلوب دارد؛ زیرا اختلاف در ترجمه، اختلاف در استفاده و استنباط احکام و آداب شرعی را به دنبال دارد.»

با این حال به نظر می‌رسد اگر ضوابط ترجمه مراعات شود، بتوان از آسیب‌های احتمالی بروز چنین مخاطراتی کاست.

ادبا برای قرآن چه کرده‌اند؟

امید مجد که مترجم، شاعر و مدرس ادبیات است، با این حال که می‌گوید دیگر نیازی به ترجمه‌ای دیگر از قرآن نداریم، معتقد است اگر بخواهیم درباره ترجمه‌های ادیبانه سخن بگوییم، دستمان خالی است: «کمبود ما در حوزه ترجمه قرآن، ترجمه ادبی به نثر است. همه ترجمه‌های موجود به لحاظ زبانی ساده‌اند. به یک ادیب خوش‌خوش‌زبان و قلم به مانند مرحوم شهیدی که نهج‌البلاغه را با چنین ملاحظه‌ای ترجمه کرد نیاز داریم که با قرآن نیز چنین کاری کند. بین ترجمه‌هایی که وارد حوزه ادبیات شده است، همچنان به نثر، ترجمه قابل توجهی به لحاظ ملاحظات ادبی نداریم. ترجمه‌های نثر در سطح زبان باقی مانده‌اند.»

او در پاسخ به این‌که آیا ادبایی چون موسوی‌گرمارودی و طاهره صفارزاده نیز نتوانسته‌اند نثر ترجمه را به زبانی ادبی نزدیک کنند، می‌گوید: «درست است که اینها ادیب‌اند، اما در ترجمه‌شان کاری ادیبانه صورت نداده‌اند و به مانند دیگر ترجمه‌های نثر، به سمت زبانی ساده و بی‌پیرایه لغزیده‌اند.»

ترجمه منظوم مجد از قرآن، به قرآن منظوم یا قرآن مجد معروف است؛ نخستین ترجمه و ای که تا کنون از قرآن به زبان فارسی صورت گرفته است. پس از او اما شاهد هشت ترجمه منظوم دیگر از قرآن بوده ایم. او درباره ترجمه و ای های منظوم نیز می گوید: «ترجمه منظوم از قرآن در طول تاریخ نداشته ایم. دو بیست سال پیش صفی علی شاه متن منظومی منتشر کرد اما کار او تفسیر بود و نه ترجمه. من سال 1374 برای بار نخست قرآن را به فارسی منظوم در آوردم. پس از این ترجمه، بابتی در ترجمه منظوم باز شد، اما هیجان و نگاه به بازار خوب کتاب پیشین، اغلب آنها را ناموفق کرده است.»